

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»
تنظیم و ویرایش: پورتال

مشکِ تر

(از دفتر خاطرات)

شهی شبی شکن زلف خود چو مشک تری
بلی، لبی چو عقیق یمن بمن بنمود
نظر نمود که نذر نظاره اش بکنم
چو موج گل به نظر آمد و گذشت و نماند
منش به هر قدم انداختم سری به نیاز
سریست بین من و یار، اگر سَرَم برود
حکایت لب لعش اگَر ز من پرسى
تبی ست در تن من از بتی سیه چشمی
رقیب گشته قریب نگار من، گوئی
نگار اگر گذر از رهگذار من نکند
رگ جنون مرا هم به عشق پیوند است
بیا وگر نه چنان از تو دور خواهم رفت

گشود و بست دلم را به حلقه دگری
شگفته خنده کنان چون سپیده سحرى
اگر به سینه دلی باشد و به کف گهرى
ز خویش بی خبرم کرد، وه چه بی خبرى
نداشت در دل سنگش، نیاز من اثرى
سر سخن نگذارم به هیچ خیره سرى
عقیق احمر جانپور است، یا شکرى
که گر به شعله نشینم، نمی کند نظرى
خرى به عیسی مریم شده ست همسفرى
کنم گذر به ره و رسم دلبر دگری
عجب مکن که به شهر اوفتاده شور و شرى
که تا به حشر نیابی دگر ز من اثرى

بنازم آن پدري را كه چون تواش پسر است خوش آن پسر كه برد فيض آنچنان پدري
به شُكر نعمت يك خنده، شُكر افشاندی
«اسير» اين سخت نيست كمتر از شكري

(شهر نازنين كابل - قوس ۱۳۳۷ ش)